

مستخرجاتى از توقيع مبارك نوروز ۱۱۳ بديع

حضرت شوق افندى

نسخه اصل فارسى



مستخرجاتى از توقيع مبارك نوروز ۱۱۳ بديع - اثر حضرت ولى امر الله

يا معشر المؤمنين و المؤمنين احبيكم من هذه البقعة الاحدية المباركة المقدسة المطهرة النوراء بقلب خافق بمحبتكم و فؤاد منجذب بنفحات ذكركم و لسان ناطق بثناءكم و محامدكم و عين دامعة لضركم و اضطهادكم و روح مهتز ببشارتكم و عظيم ولائكم و ولهم و اشتعالكم و صبركم و اضطباركم و ثباتكم و استقامتكم و خدماتكم و مجهوداتكم و فتوحاتكم تكريماً لاسمه الاعزّ العزيز و اجلالاً لظهوره الامنع المنيع و اعزازاً لميثاقه الأمتن المتين و تعظيماً لشعائره دينه الاقوم القويم و اثباتاً لاصول نظمته الأبدع البديع و امداداً لجهاده الأكبر الكبير و كشفاً لأسرار شرعه الأجدد المجيد و تمهيداً لإعلان أمره الأوعر الانخم الأنور الأقدس المبرم الخطير

صلوات الله و الطافه و عزّه و بهائه عليكم يا احباء الله و امائه و خيرة خلقه و رعاة اغنامه و مشاعل حبه و مصابيح هدايته و امناء أمره طوبى لكم الف طوبى لكم يا عزّاً لكم و يا روحاً لكم بما اجبتم ندائه و وفيتم بميثاقه و ثبتتم اقدامكم على صراطه و اعتصمتم بحبله و حملتم الشدائد فى سبيله و تركتم اوكاركم و هجرتم اوطانكم تنفيذاً لأمره و افترقتم من اقاربكم و فديتم راحتكم طلباً لمرضاته و دعوتكم الناس فى مشارق الارض و مغاربها لاستغلال فى ظله و اقتديتم بالذين سبقوكم من آبائكم و اجدادكم فى هداية خلقه و تبليغ رسالته و الانقطاع عن كلّ ما سواه و التّرجّح من صهباء الشهادة حبّاً لجماله و بذلتهم ما وهبكم ربكم لا عزاز دينه و ترويج مبادئه و كشف اسراره و تعميم تعاليمه و استحكام دعائمه نظمته و اثبات استقلال شريعته و اشتهار صيته امره الأعظم العظيم

تالله تنظركم فى هذا الحين عيون اهل ملائ الأعلى و تستبركن بأنفاسكم سكان رفرف البقاء و يشيرون اليكم اهل سرادق الأبهى و تهلل لنصركم و ظفركم وجوه حوريات القدس فى الجنة العليا و تسبح ملائكة الأمر حول حرم الكبرياء و يمجّدكم فى مقابلة العرش سيّدكم و محبوبكم مركز عهد الله الأمتن الاسمى و يبارككم ربكم و مولاكم النقطة الأولى مبشّر امره الأسنى سلطان الرّسل قرّة عين الأنبياء و يخاطبكم لسان العظمة فى بحبوحة الفردوس جمال الله البهى الأبهى مبعث الرّسل بارئكم و موجدكم بأن يا احبائى و حفظة امانتى و هداة خلقى طوبى لكم بشرى لكم مرحى بكم من هذه المنحة العظمى انتم الناصرون لأمرى انتم الشاربون من رحيق حىّ انتم اعلام نصرى فى مملكتى انتم المختارون فى ملكوتى انتم المتكثرون على وسادة عزّى طوبى لمن تأسّى بكم و سلك فى منهاجكم تالله يؤيّده روح الأعظم كما ايّدناكم من قبل و من بعد ان استقيموا على هذا الصّراط ايّاكم ان تخوفكم جنود الجبابة و سطوة الفراعنة ايّاكم ان تمنعكم عن اداء رسالات ربكم و مولاكم و



ORIGINAL

محبوبکم دولة هاتک او لومة لائم او صولة ظالم او شوکه فاتک سوف یدمدم علیهم العذاب کما دمدم علی الذین کانوا من قبلهم و انّ هذا لوعد غیر مکذوب ...

ای یاران ارجمند دریغ و افسوس که در کشور مقدّس ایران موطن اصلی جمال موعود مهد آئین ربّ و دود جمهور سگانش از شعضعات انوار این امر عظیم تا بحال پس از تجاوز از صد سال مهلت غافل و ذاهل در سبات عمیقند و بکابوس ثقیل گرفتار و بر اصنام اوهام عاکف قلوبشان از نفحاتش محروم و ابصارشان مرمود و اسیر قیود در بعد ابعندن بل معترض و مخالف و در اطفاء سراج و هاج امر ذو الجلال ساعی و جاهد تراهم فی وادی الأوهام هائمین و فی خوضهم لاعین ...

این است که از قلم اعلی این کلمات درّیات و این شهادت عظمی نازل قوله جلّت عظمته

"قسم بآفتاب حقیقت که اگر آن حضرت در مملکت دیگر ظاهر میشد البتّه مقامش مرتفع و امرش ظاهر و نورش باهر و کلمه اش محیط می گشت"

و از قلم میثاق مؤیّداً لما صدر من القلم الأعلی این شهادت اتمّ اوفی نازل "این کوکب روشن اگر از مطلع انجمن اوروپ طالع شده بود حال ملاحظه میفرمودی که چه شور و ولهی بود و چه ولوله و طربی" و ایضاً میفرماید "شمس حقیقت اگر در سائر اقالیم اشراق نموده بود تا بحال اشعه اش جهانگیر گشته بود زیرا اهل آن اقلیم قدر این فضل عظیم را میدانستند ولو مؤمن نبودند مسرور بودند" ...

ای هموطنان جمال قدم و اسم اعظم روحی لضرّکم الفداء سلطان قدم مسلّ اعظم میفرماید قوله ما احلی بیانه و ما ابهی عزّه و ذکره "یا حمامة الوفاء خاطبی الضعفاء انه اذا وجدتم الضراء اشتدّت و البأساء امتدّت و الأرض ارتجت و الجبال ارتعدت و زوابع الشّدائد احاطت و بحور البلیا فاحت و اریاح الرّزایا هاجت و طوفان الامتحان احاط الامکان علیکم بالصبر الجمیل فی سبیل ربکم الجلیل" "قل یا حزب الله ایّاکم ان تخوفکم قدرة العالم او تضعفکم قوّة الأمم او ینعکم ضواء اهل الجدل او تحزنکم مظاهر الجلال کونوا کالجبال فی امر ربکم المقتدر العزیز المختار" "قل ایّاکم ان تضعفکم اقویاء الأرض او تخوفکم امرآء البلاد توکلوا علی الله و فوضوا الأمور الیه انه ینصرکم بالحقّ و هو المقتدر علی ما یشاء و فی قبضته زمام الاقتدار" "ایّاکم ان تحزنکم سطوة الظالمین و ظلم المعتدین" "لا تحزنکم کثرة الأعداء سوف یجعلهم الله هباءً و لا تسمع ضوضائهم الا کطنین الذباب انه کان بکلّ شیء علیما"

قسم باسم اعظم که این بلای ادهم را رخائی عظیم از عقب چنانچه صریحاً میفرماید "عنقریب معرضین نادم و خاسر مشاهده شوند و مقبلین بکمال عزّ و تمکین هذا حتم عند ربّک" و ایضاً میفرماید "اگر در این ایّام مشهود و عالم موجود فی الجمله بر خلاف رضا از جبروت قضا واقع شود دلتنگ مشوید که ایّام خوش رحمانی آید و عالمهای قدس روحانی جلوه نماید و شما را در جمیع آن ایّام و عوالم قسمتی مقدّر و عیشی معین و رزقی مقرر است البتّه بجمیع آنها رسیده فائز گردید" ید غیبی در کار است و محتسب حقیقی ناظر و مراقب و بیدار اریاح عدلیّه باراده ازلیّه نافذه مولى البریّه در میقات معلوم مرور نماید و این ظلهای وارده بفرموده مظهر احدیه تدارک عدل اعظم مینماید و این انقلاب و هیجان بنفسه مقدّمه نجات و استخلاص آن ستمدیدگان و شیفتگان روی جمال رحمن از قیود صد ساله امر یزدان در آن سامان است و منتهی بحلول عصر جدید و ورود جامعه پیروان امر ربّ مجید بمرحله ثالث که مرحله انفصال آئین بدیع و منیع از شرع منسوخ و

عتیق است خواهد گشت تمهیداً لرفع علم استقلال دینه الأعزّ الأشرف الأنعم العظیم کلمات درّیات را که در این مقام از قلم اعلای محیی الأنام صادر بیاد آورید قوله الأحمی "لعمر الله مظلومیّت بسیار محبوب است ... ایام غلبه ظاهره خواهد آمد و لکن این لذّت را نخواهد داشت و اگر درست ملاحظه کنی عظمت امر را با حالت مذکوره مشاهده نمائی"

ای یاران رشید پروفا چه قدر شکرانه لازم و چه قدر حمد و ثنا سزاوار که در حمل این ثقل اعظم و تحمّل این بلاء ادهم آن یاران مکرم تأسی بجمال قدم و مبشر اسم اعظم و غصن فرید آن منجی عالم و سید امم و محیی رمم نموده وقت آن است که این بلایا و رزایای لاتعدّ و لاتحصی را بخاطر آورید و در شدّت و حدّت و امتداد و اتّساع و تنوّع بلیّات و صدمات وارده بر مظلوم عالم و بشارت دهنده امر مبهم و غصن انعم اعظم تفکّر و تمعّن نمائید در این مقام این کلمات و عبارات حزن‌انگیز از قلم اعلی جاری تعالت عظمته "قسم بآفتاب معانی که از ظلم این ظالمان قامتم خم شده و مویم سفید گشته البتّه اگر بین یدی العرش حاضر شوی جمال قدم را نمی‌شناسی چه که طراوتش از ظلم مشرکین تبدیل شده و نضارتش تمام شده تالله قلب و فؤاد و حشا جمیع آب شده و لکن بقوّة الله بین عباد حرکت می‌نمائیم" "تالله یا اعرابی لو تنظرونی لن تعرفونی و قد ابیض مسک السّود من تتابع البلیا و ظهرت الف الأمر علی هیئة الدّال من توالی القضا یا ثمّ اصفرّ هذا الوجه المحمّر المنیر" "تالله قد ابتلی طیر القدس تحت الظلم بین طیور البغضاء منهم من یضربه بمنقاره و منهم بمیسره و منهم بمخلبه و منهم باظفاره کذلک کان البلاء من سیاح الغلّ علی هیکل الطّیر مرشوحاً" "و کان قدّامی ثعبان القهر و فتح فمها لیبلعنی و عن ورائی غضنفر الغضب و یرید ان یشقّنی و عن فوقی یا محبوبی سیاح القضا و یمطر علیّ امطار البلاء و عن تحتی نصبت رماح الشّقا لیجرح اعضائی و بدنی" "لعمر الله اگر قلم اعلی از این حین الی الیوم الذی لا آخر له خود را بخطاب یا مظلوم مخاطب سازد حقّ دارد ظلم از هر قسمی و هر شأنی از آن از قبل و بعد بر مشارق نور و مطالع ظهور وارد و لکن بر این مظلوم وارد شده آنچه که شبه نداشته و ندارد" "قسم بآفتاب افق محبوب که نقطه اولیه در ایام خود بحزنم محزون بوده و بر بلایم گریسته" "در کلّ حین در دست شمر کین و خولی بی‌دین و شداد عناد و نمرود مردود و فرعون ملعون و یهود عنود و بوجهل حسد و قابیل بغضا مبتلا بوده و هستم" "تالله قد احاطنی حزن لن تر عین الابداع شبهه ... و انک لو ترید ان تعرف اسرار الأمر فاخرج عن المدیة الّتی کنت فیها ثمّ ادخل فی العراء ثمّ اسکن فی نفسک ثمّ اصمت عن کلّ الاذکار ثمّ توجه بقلبك اذا تسمع ضجيج الاشياء و صریخهم فی حزنی و کذلک نلّقی علیک فی سرّ الاشارات جواهر الاسرار لعلّ تطّلع بما لا اطّلع به احد من الخلق" "فوالله لو یطّلع احد علی ما ورد علیّ لیسکن فی العراء و یفرّ عن المعاشین و لن یستأنس باحد و لن یأکل من شیء الی ان یفدی نفسه فی حبه هذا الجمال المنیر و کلّما ورد علیّ فی الظاهر لیس عندی شیء حتّی اذکره لکم یا معشر المحبّین بل بما ورد علیّ فی الباطن و هذا ما لا یقوم معه اهل السّموات و لن یحمّله کلّ من فی الملک اجمعین تالله لن اقدر ان اذکر حرفاً منه و لو اذکر حرفاً منه لتنفطر عنه السّموات و الأرضین" "لو تجعل الفأ من البحر مدداً لمصائبی تالله لتنفد و لن ینفد ذکر مصائبی الّتی کانت عن افق القضا مشهوداً و انک ان ترید ان تعرف اثرها منها فاستنشق الهواء ثمّ کلّ شیء ان وجدت رائحة الدّم اذا فکّر فیما ورد علیّ جمال القدم من سهام هؤلاء الذین کفروا بالله و آیاته بعد الذی خلق بقوله انفسهم و کلّ من فی الملک مجموعاً" "حال ملیک غیب و شهود بر جمیع مشهود و بشأنی ضرّ بر وجود مبارکش وارد شده که اگر جمیع بحور غیب و شهود مداد شوند و کلّ من فی الملک اقلام و جمیع من فی السّموات و الارض راقم البتّه از ذکرش عاجز شوند" "و فی کلّ یوم ما کان غذائه الا من قطعات کبده و شرابه من قطرات دمه" "قسم بخورشید سماء توحید که اگر خورشید سماء ظاهره بر حزن جمال احدیّه مطّلع شود ابداً از افق خود طالع نشود و قیص نور و ضیا از خود بیندازد" "ای امة الله هنگامی که در بساط آسایش جالس شوی بذکر این مسجون

مشغول شو و اگر غربی مشاهده نمائی از غربت و کربت این غلام روحانی ذکر نما قسم بنقطه وجود که بلائی وارد شده که ذره آنرا آسمان و زمین و جبال حمل نتواند نمود ذکر مصائب غلام مستور به و آنه بکل شیء علیم" یا عین ابکی لضرّی و ابتلائی و یا قلب ضجّ بما ورد علی نفسی قسم بذکر اعظم که بلائی بر این عبد وارد شده که مظلومان عالم از اول دنیا الی حین بر مظلومیّت نوحه می نمایند" یا لیت کنت فانیاً و ما ولدتنی امی و ما سمعت ما ورد علیه من الذینهم عبدوا الأسماء و قتلوا منزلها و خالقها" "فآه آه لیس لی من آم لتبکی علی حالی و لا لی من اخت لتعری رأسها فی عزائی و مصیباتی و لا عندی من مؤنس لیوائسنی فی بلائی او یرافقنی فی ابتلائی" "فآه آه فوالذی قد استکفّ ورقاء المحزون فی صدر البهّاء لنسیت کلّما شهدت من اول یوم الذی شربت لبن المصفی من ثدی امی الی حینئذ بما اکتسبت ایدی الناس و کان الله یعلم کلّ ما کان الناس هم لا یعلمون" و در قصیده ورقائیّه از قلم مظلوم عالم نازل

کأدمعی	نوحی	عند	نوح	"فطوفان"
کلوعتی	الخلیل	نیران	ایقاد	و
اقلّله	بثّ	یعقوب	حزنی	و

و کلّ بلا ایوب بعض بلیّتی"

و از قلم میثاق در ذکر بلائی وارد این کلمات حزنانگیز صادر "الهی تری وحدتی و غربتی و کربتی و تشاهد نخول جسمی و ذهول نفسی و خسوف بدری و کسوف شمسی و ضعف ارکانی و تزلزل اعضائی و تزعزع وجودی و تضییق صدری و خفقان قلبی و زهاق روحی و عدم شروحو و شدّة بلائی فی سبیلک و کثرة ابتلائی فی محبتک ای ربّ استأصلت الزّوابع دوحتی النّاشئة و اقلعت الزّلازل ارومتی النّابتة و اخذتنی اعاصیر البلوی و اهلکتنی شدائد البأساء و الضّراء" "یا محبوبی ... انحنی ظهری و ابيضّ شعری و ذاب لحمی و بلی عظمی و تقطّعت کبدی و احترق قلبی و اتقدت نار الأسی بین اضالعی و احشائی" "ترانی هدفاً لکل سهام و غرضاً لکل نصال و خائضاً فی غمار البلاء و غریقاً فی بحار المصائب و الأرزاء ... ارفعنی الیک لأنّ الأرض ضاقت علیّ و الحیاة مريرة لدىّ و الآلام تتوجّج کالبحور و الأحزان تهجم هجوم الطیور علی الحبّ المنشور فنهاری من آلامی لیل بهیم و صباحی مساءً مظلم بهموم عظیم و عذبی عذاب و شرابی سراب و غذائی علقم و فراشی اشواک و حیاتی حسرات و میاهی عبرات و اوقاتی سكرات و بعزّتک لقد ذهلت عن کلّ شیء و لا اکاد افرّق بین لیلی و نهاری و غداتی و عشائی و سهری و رقادی بما اشتدّت الأرزاء و عظم لی البلاء و عرض داء لیس له دواء"

ای عاشقان جمال اهی قدر این موهبت کبری را بدانید که در این بلایا و رزایا بشرف مساهمت با مظلوم عالم و مرکز میثاق محیی رمم مشرف و نائل گشته اید و قطره‌ئی از این علقم بلا را چشیده اید و این تاج افتخار را بر سر نهاده اید در ذکر مصائب وارده بر متقدّمین در آن سرزمین از قلم اعلی نازل قوله عظم سلطانه "مصائب و بلائی شما بمثابة کنوز است و در خزائن امانت الهی محفوظ و مصون" و ایضاً میفرماید "ونفسه الحقّ سوف یزین الله دیباج کتاب الوجود بذکر احبّائه الذین حملوا الرّزایا فی سبيله" "فوالله لو کان للدنّیا و ما فیها قدر عند الله علی قدر بعوضة لن تصل الذلّة فیها علی احد من المؤمنین" "فاعلموا بانّ البلایا و المحن لم یزل کانت موکلة لأصفیاء الله و احبّائه ثمّ لعباده المنقطعیّن" نفس این بلایا و رزایا را جمال اهی و غصن اعظمش در الواح شتی طالب و آمل و وقوع و حدوثش را حامد و شاگرد در این مقام از قلم اعلی نازل قوله تبارک ذکره "فاعلم ثمّ ایقن انا فی اول یوم فیهِ ارتفع صریر القلم الأعلی بین الأرض و السّماء انفقنا ارواحنا و

اجسادنا و ابنائنا و اموالنا فی سبیل الله العلیّ العظیم و نفتخر بذلک بین اهل الانشاء و الملاّیّ الاعلیّ یشهد بذلک ما ورد علینا فی هذا الصّراط المستقیم "لعمری لو اذکر حلاوة بلایا الّتی اکون فیها لتنفد الألواح و تنصعق الاقلام و ربّک علی ما اقول علیم" "لعمری احبّ البلاء فی سبیل الله موجد الأشياء کما یحبّون النّاس ابصارهم بل ازید و یشهد بذلک ربّک العزیز المختار" "لعمری انّ السّجن یتّی و هو ابهی من کلّ البیوت ان اتمّ من العارفین ولو انّ یدی قد فتحت باب السّجن ولكن قلّبی یحبّ ان یکون فیہ انّ ربّک هو المبین الحکیم" "قل انّ البئر یتّی و السّجن قصری و البلاء اکلیل البهّاء ان اعرفوا یا اولیّ الأبصار من افق الدّلة اشرفت شمس اسمی العزیز" "قد جعل الله البلاء اکلیلاً لرأس البهّاء سوف تستضیء منه الآفاق" "قد تزین رأس البهّاء باکلیل البلاء کذلک قضی الأمر فی لوح کان بخاتم الله مختوماً" "طوبی لحین الذی فیہ یفدی الغلام فی سبیل الله الملک العدل الحکیم و طوبی لآن فیہ یسفک دم الغلام حبّاً لمحجوب العالمین فیا حبّدا لساعة کان الغلام فیها مطروحاً علی التّراب بین یدی الله مقصود العارفین فومحجوبی الحقّ ارید ان افدی فی سبیلہ بدلاً عن کلّ العالمین لو اتمّ من العالمین عزیز علیّ بأن یقتل احد فی سبیل الله و انا باقی فی الأرض و بذلک یحزن قلّبی و یکدّر عیشی لو اتمّ من الموقنین" و کذلک از قلم میثاق نازل

بالبلاء استضاء وجه البهّاء و بالبأساء و الضّراء تبسمّ ثغر کلّ عبد للبهّاء" "یا امة الله اذا احببت دعاء فی حقّ عبد البهّاء تدلّی الی الملکوت الاعلیّ و ابتلی و قوی ربّ ربّ زد فی بلاء عبد البهّاء فی سبیلک و املأ له کأس المصائب و الرّزایا و امطر علیه سحاب الامتحانات و زین عنقه بالسّلاسل و الأغلال فی السّجون و القلاع فی محبّتک و اجعل دمه مسفوکاً فی سبیلک و ارزقه الجلوس علی سریر الصّلیب بموهبتک حتّی تأخذه نشوة صبهّاء الفداء و یطیر بها الی جوار رحمتک الکبری فی ملکوتک الاعلیّ هذا هو الدّعاء فی حقّ عبد البهّاء لأنّ هذه غایتہ القصوی و منیته الکبری و موهبته العظمی الّتی یتنّها فی کلّ حین" "یا امة الله لا تحزنی و لا تتکدّری من البلایا الّتی احاطتّنی لأنّی استبشر بها و افرح بها لأنّها نزلت و تنزل علیّ فی سبیل الله و اعلمی انّی ولدت فی البلاء و رضعت من ثدی البلاء و نشئت فی البلاء و بلغت فی البلاء و شبت فی البلاء و شبت فی البلاء فما احلی البلاء فی سبیل الله و ما اشهی نعمة البلاء فی حبّ الله و ما اعذب کأس البلاء فی محفل التّجلی عند مشاهدة نور الکبریاء لیت النّجوم سهام و صدری هدف لها فی سبیل الله و لا اتمنّی الا ان اعلق فی الهوآ و یرسّ الف رصاص علی صدری فی محبة البهّاء او تقطع جسمی ارباً ارباً او یرمونّی فی قعر البحار او یجرعونّی کأساً من سمّ الهلاک فی محبة الجمال الأبهی هذا منتهی آمالی و غایة مقصودی و اعظم مطلبی و منتهی رجائی"

ای متمسکین بعروۃ وثقی الّتی لا انفصام لها این فتنه و آشوب و انقلاب اخیر که در موطن مقدّس مولای علیم و خبیر بغتةً احداث گشت بشهادت کلّ از آشنا و بیگانه و یار و اغیار باعث اشتہار و ارتفاع صیت آئین کردگار در کلّ اقطار گردید این هجوم عیف از طرف عصبة مغروره فئه خادعین و مکفرین و مبطلین بر شعائر و مقدّسات این امر نازنین و یگانه ملجأ و منجی اهل زمین و وضوا و غوغای باغین و طاغین نفوس واهیه سافله لاهیه ساهیه بمثابة صور اعظم و نفخه اکبر و نقره انغم صیت امر اکمل و اتمّ را در خافقین مرتفع ساخت و ولوله اش در بسیط خاک رنہی حیرت انگیز بینداخت و صیت امر الله را دفعهً واحدةً بمقاماتی رساند و جلب انظار نفوسی را نمود کہ تا بحال حرفی از این ظهور اعظم شنیده و ادنی اطلاعی از تصرّفات و فتوحاتش در عالم نداشته اهل بها کثمةً واحدة من دون تأمل و تردد و بعضی متین بکمال همّت و جدّیت و با قلّبی مملوّ از تأثر و تأسف و محبت و شفقت متوکّلین علی الله الناظر الشّاهد القاهر المقتدر القدير بر دفاع و معاضدت و معاونت و مساعدت ستمديدگان برادران و خواهران روحانی خویش در آن اقلیم پربلا موطن اصلی جمال ابهی قیام نمودند قیام استفرحت منه قلوب اهل ملاّیّ الاعلیّ و در اعلان مقاصد اصلیه پیروان این امر اعترّ اسنی

و تظلم نزد رؤسا و امرا و وزرا و وكلا و احتجاج شديد بر روايت كذب و افترا و تبیین و تشریح مبادئ سامیه جامعه راجع به عقائد اصلیّه دینیّه مروّجان امر حضرت ربّ البریه و اقرار و اعتراف بحقیّت و رسالت شارع شریعت اسلامیّه و توجّه اهل بها بامور روحانیّه و تمسّك آنان بحبل المتین تعالیم سماویّه و عدم مداخله در امور سیاسیّه و تجنّب از احزاب و فرق مختلفه متنازعه و اثبات اصالت و استقلال و عمومیت شریعت بدیعه الهیه و انقیاد تامّ و اطاعت احکام و مقرّرات حکومت متبوعه خویش در ممالک متفرقه متعدده همت بگاشتند...

ایها المقتبسون من نور الهدی این انقلاب اخیر در موطن اصلی امر ربّ قدیر از جهتی علّت اشتہار آئین الهی و انتشار صیبتش در کلّ اقطار گشت و از جهتی دیگر اساسش را در قلوب پیروانش در کلّ اقطار تقویت نمود و مستحکم ساخت جمعی از کوتاه نظران در بدو این ضوضا و غوغا چنین تصوّر نمودند و بخود وعده دادند که این مقاومت و مهاجرت و اشتداد زجر و عقوبت و تبداد غضب و حدّت و بطش و صولت و سطوت ارباب مکابرت و انذارات و تحويفات خصم الدّ امر حضرت احدیّت و سیل افترا و تهمت عنقریب ریشه شجره مثمره مرفوعه لاشرقیه و لاغربیه را در موطن و منبت اصلیّه اش دفعه واحده قلع و قمع نماید و سراج و هاج را کاملاً خاموش نماید و جمعی از عشاق جمال ابهی و پرورده ید عنایت حضرت عبدالبهاء را در ممالک و دیار پریشان و مأیوس نماید و از صراط مستقیم منحرف سازد و زلزله بارکان جامعه در کافه ممالک اندازد و شعله نار محبت الله را در افئدة صافیة مؤمنین و مؤمنات و موقنین و موقنات بیفسرد و شمل یاران راستان را متشتت نماید و رخنه در صفوف جنود مجتده احداث کند و علّت انشقاق و انشعاب و تفرقه و اضمحلال و انقراض گردد

هیئات هیئات "بئس ما ظنّوا و ساء ما حکموا ذرهم یخوضوا او یلعبوا و یمرحوا حتّی یقضی الله امرأ کان مفعولاً" اشعال نار ظلم و اعتساف و تباعیح محن و بلایا و اشتداد رزایا ادنی خلّی در وحدت جمع اهل بها و فتوری در عزم متمسکین بعروه وثقی احداث نمود بلکه علّت انتباه نفوس و باعث تقویت بنیه امر الله گردید و روح جدیدی در کالبد مروّجین دین الله و مهاجرین و مجاهدین فی سبیل الله و ناشرین نفحات الله و ایادی و امنای امر الله و مؤسّسین شریعت الله و حامیان حصن الله و راکبین سفینه الله بدمید عباد الله و اماء الله فی مشارق الأرض و مغاربها چون سدّ متین مقاومت سیل ترهات و اباطیل و اراجیف و اکاذیب اولو الطّغیان را نمودند و بکمال جدّ و جهد بقلوب مطمئنّه و اقدام راسخه و ارواح منجذبه و افئدة مشتعلّه در هدایت نفوس غافله و انتشار روائح مسکیّه و ندای بملکوت سلطان احدیّه و تکذیب اقاولیل و اباطیل و نفی اعتراضات جدید و قدیم دشمنان امر ربّ البریه و کشف اسرار و رموز شریعت سماویّه و اثبات مقاصد اصلیّه روحانیّه و رفع شبهات و توهمات نفوس محتجبه و اتّساع نطاق جامعه بهائیّه و تشتّت در ممالک و جزائر بعیده و فتح اقالیم غیر مفتوحه و تنفیذ نقشه بدیعه دهساله بیش از پیش همت بگاشتند لیثبت ما صدر من القلم الأعلى فی الواح شتیّ قوله الأحلی "بالبلاء علا امره و سنا ذکره" "قلّ البلیا دهن لهذا المصباح و بها یزداد نوره ان کنتم من العارفين" "بلائی عنایتی ظاهره نار و نعمة و باطنه نور و رحمة" "بالبلاء ربّینا الأمر فی القرون الماضیه سوف تجد الأمر مشرقاً من افق العظمة بقدره و سلطان" "قلّ انّ البلاء ماء لما زرعناه فی الصّدور سوف تنبت منه سنبلات ینطق کلّ حبه منها انه لا اله الا هو العزیز الحکیم" "قد جعل الله البلاء اکیلاً لرأس البهائم سوف تستضیء منه الآفاق" "قلّ انّ القضاء مؤید لهذا الأمر و البلاء معین لهذا الظهور" "انا لم تزل ارتفعنا سدرات الأمر بماء الاعراض و الدّم ان انتم من العالمین" "قلّ انّ الاعراض من کلّ معرض مناد لهذا الأمر و به انتشار امر الله و ظهوره بین العالمین" "قد جعل الله البلاء غادیة لهذه الدّسکرة الخضرآ و ذباله لمصباحه الذی به اشرقت الأرض و السّمآء" "بظلمهم رفعنا الأمر و انتشر ذکر اسم ربّک فی البلاد بمنعمهم ظهر

الاقبال و بظلمهم طلع نير العدل تفكروا لتعرفوا يا اولى الألباب" "مرّة بأيادی الظالمين يرفع امره و اخرى بأيادی اوليائه الذين يرون الغافلون ككفّ تراب و ينطقون بما نطق القلم الأعلى في الافق الأبهى" "قل تالله ترتفع هذه السدرة بماء اعراضكم ولكن انتم لا تشعرون في انفسكم و تكونن من الغافلين" "لو يسترون النور في البرّ انه يظهر من قطب البحر و يقول انى محي العالمين"...

ياران راستان در اين ايام انقلاب و افتتان بايد نظر را باين بيان صريح كه از قلم ملهم معجزشيم مولای خبير و عليم نازل متوجه سازند و در آنچه اخبار فرموده تمنّ و تفرّس نمايند قوله الأسنى "اليوم قواى رؤساي اديان بأجمعهم متوجه تشنيت انجمن رحمن و تفریق و تخریب بنیان حضرت يزدان است و جنود مادّی و ادبی و سياسی جهان از هر جهت مهاجم چه كه امر عظيم است عظيم و عظمت امر در انظار واضح و لائح" و ايضاً ميفرمايد "امر عظيم است عظيم و مقاومت و مهاجمة جميع ملل و امم شديد است شديد عنقريب نعره قبائل افريك و امريك و فرياد فرنگ و تاجيك و ناله هند و امّة چين از دور و نزديك بلند شود و كلّ بجميع قوى بمقاومت برخيزند و فارسان ميدان الهى بتأييدى از ملكوت ابهى بقوت ايقان و جند عرفان و سپاه پيمان جند هنالك مهزوم من الأحزاب را ثابت و آشكار كنند" ملاحظه نماييد كه بصريح عبارت ميفرمايد "مقاومت و مهاجمة جميع ملل و امم شديد است شديد" و شبههئى نبوده و نيست كه مقاومت سيل امر الله و هجوم بر مقدّسات دين الله از طرف جمهور ناس و زمامداران هر دو در شرق و غرب و جنوب و شمال و همچنين از طرف رؤساي كنائس در دو قاره اروپا و امريك و مبشرين حضرت روح در دو قاره استراليا و افريك و اقطاب و رؤساي اديان عتيقه هند و چين در جنوب شرقى قاره آسيا و شرق اقصى خواهد بود شور و آشوب اخير اولو الطغيان در اقليم ايران بنفسه مقدّمه حدوث ولولئه اعظم و انقلابى اشدّ و هيچانى اكبر در اقليم سائرّه جهان است زيرا ميفرمايد "كلّ بجميع قوى بمقاومت برخيزند" و اين انقلاب اعظم مقدّمه اعلان امر الله در تمام كره ارض و غلبه جند الله و انهزام و انقراض اعداء الله و تنبه عمومى اهل عالم و اقبال دول و امم و تحقّق بشارت "يدخلون في دين الله افواجا" خواهد بود ...

نفس اين جهاد كبير اكبر و اين قيام و خروج و جوش و خروش و ترك اوطان و تشنّت در ممالك و ديار و نصرت و ظفر در ميدان مجاهدت و هدايت جم غفيري در ممالك و جزائر متعدّده از اجناس و طبقات و السن و الوان و طوائف مختلفه متنوعه ممهّد سبيل و وسيله تسريع اين اصطدام حيرت انگيز و جنگ و ستيز بين اصحاب يسار و يمينا است چنانچه علامات اوليه اتّساع نطاق اين مبارزه در سنين اخيره در قاره افريك و جزائر بعيدّه محيط اعظم در نتيجه مقاومت و تحريكات مبشرين ظاهر و نمايان گشته و بتدريج در اثر همّت و بسالت و شجاعت و استقامت و اقدامات مستمرّه متزايدّه گروه مجاهدين و مهاجرين اين مقاومت بسائر طوائف و مذاهب سرايت نمايد و رعب الهى را متدرّجاً در قلوب زمامداران اندازد و بر شدّت و حدّت اين رزم روحانى و اتّساع دائره معرفت و اش بيفزاييد جمال قدم سلطان الأمم و محي الرّمم بسپاهيان دليرش در اين انقلاب اعظم كاملاً اطمينان داده و باين بيان اكل و اتمّ وعده نصرت داده قوله تكبر كبريائه "لعمرى لا ينزل على الاحباء الا ما هو خير لهم يشهد بذلك قلم الله المقتدر العزيز المحبوب" و ايضاً ميفرمايد "انه ما قدر من قلم التقدير لأحبائه الا ما هو خير لهم و نسأله بأن يوفقهم على الصبر و الاصطبار لئلا تمنعهم البلايا عن صراط الله العزيز العليم"...

أيّدكم الله يا أحبّاء البهّاء و ايادى امره و حلفاء حبه على ما ترتفع به مقاماتكم و تتهلّل وجوه آبائكم و اجدادكم و تظهر
خفياّت امر محبوبكم و مولاكم و تتموّج الوية النّصر في بلدانكم و اوطانكم و تهتّز ارواح المقربّين في ملكوت ربّكم و بارئكم و
تقشعرّ جلود اعدائكم و خصمائكم و تتحقّق آمالكم و اهدافكم في خدمة امره الأعزّ الأقدس الأبدع البديع و تنفيذاً لجهاده
الأشرف الأرفع الأمنع الأنهم الخطير و لكم منّي الف تحية و ثناء من هذه البقعة النّوراء زادكم الله في خدمة امره و نصرة
دينه شوكةً و اجلالاً و قدرةً و رجالاً

نوروز ۱۱۳